

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال نهم- شماره چهارم- زمستان ۱۳۹۵- شماره پیاپی ۳۴

بررسی و تحلیل تشبیه در اشعار کسایی

(ص ۱۲۵-۱۰۷)

فاطمه جلال‌پور (نویسنده مسئول)^۱

تاریخ دریافت مقاله: پاییز ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: زمستان ۱۳۹۴

چکیده

کسایی مروزی یکی از شاعران برجسته قرن چهارم هجری است که شعر وی از نظر صورخیال، بویژه در زمینه تشبیه، بهترین شعری است که از گویندگان این عصر در دست داریم. اگرچه بسیاری از اشعار کسایی از میان رفته و جز چند قطعه پراکنده شعری از او باقی نمانده است؛ اما با پژوهش در همین اشعار باقی مانده شاعر، میتوان به نتایج تازه‌ای درباره تشبیهات وی دست یافت. همچنین با مطالعه این تشبیهات است که میتوان خصایص برجسته شعر قرن چهارم را به کاملترین و صفی مشاهده کرد. غلبه دید مادی و توجه به عناصر حسی، بویژه در زمینه طبیعت، امری است که در نخستین مطالعه تشبیهات وی، به چشم می‌آید؛ بطوری که، شاعر زیباییهای طبیعت را در قالب تشبیهات دقیق، ساده و روان به تصویر کشیده، تشبیهاتی می‌آفریند که غالباً محسوس به محسوس بوده و حاصل تأثیر حسی شاعر از طبیعت اطراف خود میباشد. جستار حاضر، تشبیهات کسایی را از جنبه‌های مختلف بلاغی و موضوعی مورد بررسی قرار داده و تحلیل آماری و علمی از آن ارائه کرده است.

کلمات کلیدی: کسایی، تخیل، فنون بیانی، تشبیه، ساختار بلاغی، قرن چهارم

^۱ - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

fajalalpour@gmail.com

مقدمه

تصویر یکی از جنبه‌ها و عناصر زیبایی شعر است که شاعر به یاری تصویرسازی و تخیل، به افقهای تازه‌ای از زبان و اندیشه دست می‌یابد. و در پرتو خیال است که میتوان شاعرانه بیان کرد. (صورخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ۸۰). تصویرهای شعری، تجربه شاعر را صادقانه نشان میدهد. شاعر برای اینکه بتواند حاصل افکار و عواطف خویش را آشکار کند سعی دارد بین این افکار و احساسات و جهان مادی ارتباط برقرار کند؛ تا یافته‌های خود را برای دیگران ابراز کند. برای همین، تصویر یکی از عوامل مهم در شناخت شخصیت روحی و روانی شاعر است. چرا که شعر حاصل تجربه شاعر است و از اراده شاعر ناشی نمی‌گردد. (همان: ۲۱). تصویر پردازی عرصه خلاقیت شاعر است و امکان تصرف در اشیاء و جهان مادی را برای آدمی فراهم میکند و به او این فرصت را میدهد تا با دستکاری در عناصر طبیعت، مطلب و مقصود خود را بیافریند. (بلاغت تصویر، فتوحی: ۶۸).

شاعران کهن، برای ادراک جهان به حواس مادی قانعدند؛ بنابراین آفرینش تصویرخیال در هنر آنان بر چهار اصل استوار است: الف) معرفت حسی ب) توصیف تجربه ج) تصویر مستقیم د) زیبایی مطلق. (همان: ۹۸). بنابراین از خلال صورخیال در دوره اول شعر فارسی، این نکته را به روشنی میتوان دریافت که بخش اعظمی از این صورخیال، بر تصویر شکل بیرونی متمرکز است؛ بطوری که شاعر، با کمک ابزارهای تصویری مناسب مانند، تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز و دیگر صناعات بدیعی و بلاغی دیگر، به توصیف تجربیات عینی خود، از محیط اطراف میپردازد. در این میان، تشبیه از پرکارترین صوربیانی این دوره میباشد. چرا که در تبیین اندیشه شاعر از کارایی بالایی برخوردار است. و «بهترین ابزار برای بیان محاکات و تقلید از طبیعت و حقیقت نمایی است.» (همان: ۸۹). بلاغیون قدیم به صراحت از کاربرد تشبیه بعنوان ابزار توضیح و تشریح سخن گفته‌اند: «تشبیه وضوح معنا را میافزاید و بر آن تاکید میکند.» (الصناعتین، عسکری: ۲۴۹). بدین ترتیب در اشعار کسایی نیز، که از شاخصترین شاعران دوره اول شعر فارسی است، تشبیه رکن اصلی، تصویر شعری شاعر است. و تشبیه جای دیگر صورخیال را در اشعار او میگیرد. در نتیجه بررسی و تحلیل تشبیه در دیوان او میتواند بر یافته‌های دانش پژوهان در زمینه سبک، هنر و تفکر، این شاعر بیفزاید. به این منظور، تشبیهات وی از جنبه‌های مختلفی چون، موضوع، ساختار و شکل، ارکان تشبیهی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و در نهایت بوسیله جدول و نمودار، یافته‌های پژوهش به شکل آماری ثبت شده است.

پیشینه تحقیق

در باب اشعار کسایی، به لحاظ فنی و گونه‌های صورخیال، به شکل مستقل، در طی سالهای اخیر، پژوهشی انجام نشده است. و تحقیقات صورت گرفته، هیچکدام بطور کلی درباره مهارت کسایی در تصاویر بیانی و تبیین گونه‌ای از گونه‌های تخیلی نپرداخته‌اند. بنابراین آثار بچاپ رسیده از سوی پژوهشگران درباره این شاعر را میتوان به دو دسته تقسیم کرد. دسته اول آثاری است که به بررسی

احوال، افکار، آثار و شرح اشعار کسایی پرداخته است؛ از جمله تاریخ ادبیات در ایران اثر ذبیح الله صفا (۱۳۶۳) کسایی مروزی و تحقیق در زندگانی و آثار او تألیف مهدی درخشان (۱۳۷۵) لباب الالباب اثر عوفی (۱۳۸۹) گزینه اشعار کسایی تألیف جعفرشعار (۱۳۷۰) کسایی مروزی زندگی و شعر، تألیف محمد امین ریاحی. دسته دوم آثاری است که در زمینه علوم بلاغی و درباره سبک شعر شاعر نوشته شده است. از جمله صور خیال در شعر فارسی اثر شفیع کدکنی (۱۳۸۲) سبک شناسی شعر اثر محبوب (۱۳۷۵) کسایی مروزی و شعر و زندگی او، تألیف نصرالله امامی. در این دسته از آثار، یا مبحثی از مباحث کتاب به کسایی اختصاص یافته و یا خود اثر، به صورت کامل به شاعر و شعرش پرداخته است. تعداد مقالاتی که به صورت پراکنده به زندگی و شعر کسایی پرداخته‌اند نیز بچاپ رسیده است ولی هیچکدام به صورت گسترده به تصاویر شعری کسایی توجه نداشته‌اند. همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در سرچشمه‌های علم بیان» (۱۳۹۲) به چاپ رسیده که نویسنده آن تنها به بررسی صورخیال تعدادی از شاعران همعصر کسایی پرداخته، بطوریکه تصاویر شعری کسایی را در برنمیگیرد. بنابراین در باب اشعار کسایی به لحاظ تصویرهای بیانی، بویژه استفاده از تشبیهات بدیع، آن هم بصورت گسترده و ساختار این تشبیهات، به شکل مستقل پژوهشی صورت نگرفته است. نگارنده ترغیب شد تا بار دیگر اشعار وی را از دیوان مصحح درخشان و از دیدگاه صوربیانی بررسی و تحلیل کند.

شیوه پژوهش

شیوه این پژوهش در ابتدا، مطالعه دقیق دیوان اشعار کسایی، و سپس استخراج همه تشبیهات شاعر بر اساس نسخه‌های موجود بود. بطوری که بیش از دویست فیش در نتیجه این بازیافت و استخراج دقیق حاصل آمد. سپس با بررسی نظری صورخیال، به دسته‌بندی فیشهای مربوط پرداخته و تقسیم‌بندی منظمی از لحاظ موضوعی، ساختار شکلی تشبیهات، حسی، عقلی و انتزاعی بودن طرفین تشبیه، فشرده و گسترده بودن تشبیهات، مفرد و مرکب بودن آنها، وجه‌شبه و ادات تشبیه به عمل آورده است. سپس نمونه‌هایی برجسته، از دیوان اشعار شاعر انتخاب شده، بعنوان شاهد مثال به کار رفته است. در نهایت، براساس بررسیهای انجام شده و فیشهای فراهم آمده، نتیجه آماری مفیدی بدست می‌آید که بصورت جدول ارائه شده است تا صاحب‌نظران بتوانند در یک نگاه اجمالی به نتیجه این تحلیل و پژوهش دست یابند.

تشبیه در دیوان کسایی

ابوالحسن (ابواسحاق) مجدالدین کسایی مروزی از شاعران بزرگ نخستین دوره شعر فارسی و از جمله شاعرانی است که شعر او بهترین شعری است که از گویندگان قرن چهارم در دست داریم. (صورخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی: ۴۳۰) بطوریکه با پژوهش در ابیات باقیمانده این شاعر، میتوان به نتایج تازه‌ای در باب تشبیهات وی دست یافت. تشبیهاتی که محصول تجربه حسی و همزیستی او با

طبیعت و اشیاء مادی است. او را به دلیل مهارت در این شیوه، «نقاش چیره دست طبیعت» و نمایندۀ تخیل قوی در زمینۀ طبیعت میدانند. در نتیجه تشبیهاتی که در این زمینه می‌افزیند، نیز بدیع و زاینده طبع خود شاعر هستند. و با توجه به نگاه حسی و عینی وی به امور، اغلب این تشبیهات محسوس به محسوس بوده و شاعر کمتر به امور انتزاعی و عقلی پرداخته است. توجه به عنصر رنگ و توصیف رنگ، یکی دیگر از خصایص تشبیهات کسایی است که او را نسبت به همعصرانش ممتاز کرده است؛ بطوریکه اغلب تشبیهات او مبتنی بر عنصر رنگ می‌باشند. «توجه کسایی به عنصر رنگ تا آنجاست که غالباً عنصر رنگ در تشبیهات او بر جنبه‌های هندسی غلبه دارد، چنانکه پنداری شاعر در برخورد با طبیعت پیرامون خویش، بیش از هر چیز مجذوب رنگ شده است.» (کسایی مروزی، امامی: ۲۶).

از مجموع ۳۰۷ بیت از کسایی، ۱۷۹ مورد تشبیه استخراج شده است؛ یعنی اینکه ۵۸/۳ درصد از بیت‌های کسایی دارای تشبیه است. و حدود ۴۲ درصد از ابیات وی حتی یک تشبیه هم ندارد این در حالی است که بعضی ابیات دارای تشبیه گاهی تا نزدیک دو تشبیه نیز دارند. کسایی در ذیل این تشبیهات، اغلب به وصف صحنه‌هایی از طبیعت مانند، گلزار، ابر، باد، کشتزار، گله‌ها، حیوانات و مانند اینها پرداخته است. دسته‌ای از تشبیهات شاعر نیز متعلق به اجرام آسمانی است که شاعر به صورت ساده و ابتدایی از این اجرام برای گسترش خیال‌پردازی خود بهره برده است. علاوه بر این قسمتی از تصاویر وی مربوط به اساطیر سامی و اسلامی است. که با توجه به شیعه بودن کسایی، بخشی از تشبیهات این شاعر را به خود اختصاص داده است. در این پژوهش علاوه بر بررسی عناصر تشبیه، ساختارهای بلاغی، زاویۀ تشبیه یا نوی و کهنگی آنها، جایگاه وجه‌شبه و ادات نیز در تشبیهات شاعر مورد بحث قرار گرفته است.

ساختار معنوی تشبیهات کسایی

قرن چهارم و پنجم شعر فارسی از نظر تصویری، سرشار و شکفتگی در عناصر خیال بیشتر است. این امر بویژه در اشعار شاعران روزگار سامانی که از پیشگامان شعر فارسی بوده‌اند و حتی برخی از مضامین شعری را برای نخستین بار در سروده‌های خود تجربه کرده‌اند جایگاه قابل توجهی دارد. اشعار کسایی نیز در زمینۀ توصیفی، سرشار از تصویرهای بدیع و لطیف است.

الف) مشبّه و مشبّه‌به هر دو حسی: ۱۶۶ مورد از تشبیهات کسایی حسی به حسی است که ۹۲/۷۳ درصد از کل تشبیهات شاعر را در بر می‌گیرد. تشبیه حسی، بیرونی است و نسبت به دیگر صناعات ادبی، عواطف شخصی کمتر در آن راه می‌یابد. «نصیر حسی محصول یک تاثیر حسی از شی خارجی است که بر ذهن میتابد و ذهن مثل آینه آن را با کلمات منعکس میکند.» (بلاغت تصویر، فتوحی: ۱۰۰). با توجه به عصر برونگرایی، اموری که کسایی در اطراف خود تجربه کرده حسی بوده و تصویری که برای بیان این تجربه حسی به کار می‌گیرد نیز پدیده‌های حسی و خارجی هستند. «شعر

کسایی از نظر تشبیهات حسی دقیق در میان سرایندگان دوره سامانی برجستگی خاصی دارد. این گرایش به حسیات سبب شده است تا تشبیهات وی را برخوردار از نوعی غلبه دید مادی بدانند.» (کسایی مروزی، امامی: ۲۹).

گل باز کرده دیده باران برو چکیده
چون خوی فرو دویده بر عارض چو دیبا
(کسایی مروزی، درخشان: ۶۷)

ب) **مشبه عقلی، مشبه به حسی:** ده مورد تشبیه عقلی به حسی در دیوان کسایی است که ۵/۵۸ درصد از مجموع تشبیهات وی را در بر میگیرد؛ که به نسبت مشبه و مشبه به حسی به حسی درصد کمی را به خود اختصاص داده است. زیرا عصر کسایی، عصر درونگرایی نبوده و شعر این شاعر نیز شعری آفاقی و برونگرا است:

به شاهراه نیاز اندرون سفر مگسال
که مرد کوفته گردد بدان ره اندر سخت
(همان: ۷۳)

ج) **مشبه حسی، مشبه به عقلی:** بسامد تشبیه حسی به عقلی هشت مورد است که شامل ۴/۴۶ درصد از مجموع تشبیهات کسایی است. یکی از جنبه‌های هنری تشبیه، پیوند دادن معقولات به محسوسات است. «تصور آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که معقولی را به محسوسی پیوند دهد.» (کلیات زیباشناسی، کروج: ۷۹). دلیل کمی این نوع تشبیه یا تشبیهاتی که یک سوی آن عقلی و یا هر دو طرف تشبیه عقلی است اینست که موضوعات شعری این شاعر و شاعران همعصر وی اکثراً حسی و بیرونی است. و شاعران هنوز به موضوعات عقلانی و فلسفی نپرداخته‌اند. «در حقیقت این دوره از نظر سادگی عناصر خیال و موجود بودن هر دو سوی تصویر در خارج، طبیعت‌ترین دوره شعر فارسی است و تجربه شاعران در قلمرو زندگی و حوادث محیط آدمی است.» (صورخیال در شعر فارسی، شفیعی کدکنی: ۳۹۷). نمونه‌هایی از این نوع تشبیه را در زیر میبینیم:

سرخ و سیه شقایق هم ضد و هم موافق
چون مومن و منافق، پنهان و آشکارا
(همان: ۵۷)

به لب و چشم راحتی و بلا
به رخ و زلف توبه‌ای و گناه
(کسایی مروزی، شعاع: ۸)

د) **مشبه عقلی و مشبه به عقلی:** کسایی در اشعار خود به این نوع تشبیه نپرداخته و هیچ درصدی از تصاویر شعری وی را در بر نمیگیرد. شعرهای موفق کسایی، شعرهایی است که در آن به حسیات پرداخته و تصویرهایش گزارشی از ادراکات جزئی و حسی وی بوده است. سکاکی می‌گوید «میل جان آدمی به حسیات بیش از عقلیات است؛ زیرا با امور حسی انس بیشتری دارد و امر آشنا را پذیراتر از امر ناآشنا است.» (مفتاح العلوم، سکاکی: ۴۶۶)

کسایی عناصر متعددی را در تشبیهات خود مورد توجه قرار داده است که قلمرو گسترده‌ای از پدیده‌ها را در بر میگیرد. عناصر این تشبیهات اغلب برگرفته از طبیعت اطراف شاعر است و آنجاییکه به امور غیر طبیعی نیز میپردازد از طبیعت و عناصر مربوط به آن کمک میگیرد. این طبیعت شامل انسان و اعضای بدن او، مفاهیم مجرد و انتزاعی، موضوعات و اجرام آسمانی، طبیعت و زمین، حیوانات، اشیاء و ابزار هستند که شاعر با کمک اغراق و خیالهای شاعرانه، این عناصر را در قالب تشبیهات جای داده است.

انسان و اوصاف انسانی

کسایی انسان و اعضای بدن او را بویژه اعضایی که جلوه زیبایی معشوق هستند، در قالب مشبه و مشبه‌به، به زیبایی به تصویر میکشد. او همچنین کوشیده است تا تصویرهایش به‌گونه‌ای با انسان در پیوند باشد و از رهگذر این پیوند، هیأت و حالات ظاهری انسانها را به طبیعت و عناصر آن پیوند دهد. « این پیوند در تصویرسازیهای شاعران دوره برونگرایی از عصر سامانی تا عصر غزنوی، سنتی رایج است و گویی شاعران، طبیعت را بدون پیوند با انسان فاقد هویت میدانستند و این هویت تنها در کنار ایشان محسوس بوده است.» (کسایی مروزی، امامی: ۳۲)

الف) انسان و اوصاف انسانی در قالب مشبه: کسایی از موضوعات متعدد، مرتبط با انسان بعنوان مشبه استفاده کرده است. که عبارتند از: انسان، هیأت ظاهری و حالات انسانی، توصیف پیری، دیده، اشک، توصیف موی و ... از مضامین مورد علاقه شاعر بوده است. بخش اعظمی از این نوع مشبه، بر «جمال‌شناسی مؤنث» (بلاغت تصویر، فتوحی: ۱۰۵) و زیبایی جسم متمرکز است. مشبه‌هایی مانند، معشوق مشبه برای ماه، زلف مشبه برای شب، چشم مشبه برای شب، پشت دست مشبه برای قاقم، عارض معشوق مشبه برای گل، زلف معقرب مشبه برای عقرب و ... بسامد این نوع مشبه در تشبیهات کسایی ۵۴ مورد با ۳۰/۱۶ درصد از کل تشبیهات کسایی است:

کمند زلف را ماند چو بر هم تافتن گیرد سپاه زنگ را ماند چو بر هم تافتن گیرد
(همان: ۸۲)

دستش از پرده برون آمد چون عاج سفید گفتمی از میغ همی تیغ زند زهره و ماه
(همان: ۹۲)

ب) انسان و اوصاف انسانی در قالب مشبه‌به: این نوع مشبه‌به در دیوان کسایی ۳۱ مورد و ۱۸/۴۳ درصد است. بطوری که بخش اعظمی از مشبه‌به تشبیهات کسایی را به خود اختصاص داده است. در این بخش نیز کسایی از عناصر طبیعت کمک میگیرد و به این عناصر طبیعی حالتها و هنجارهای انسانی میبخشد. مشبه‌هایی از قبیل: راهب مشبه‌به برای نیلوفر، سپاه روم مشبه‌به برای باران سفید، بناگوش مشبه‌به برای ارغوان، رخساره زلیخا مشبه‌به برای گلزار، صورت مهنا مشبه‌به برای سبزه و گلشن چو روی لیلی یا چون بهشت مولی چون طلعت تجلی بر کوه طور سینا
(همان: ۶۷)

سرود گوی شد آن مرغک سرود سرای چو عاشقی که به معشوق خود دهد پیغام
(همان: ۸۷)

مفاهیم مجرد و انتزاعی

الف) مفاهیم مجرد و انتزاعی در قالب مشبّه: اینگونه مفاهیم در تشبیهات کسایی، اغلب بعنوان مشبّه با مشبّه‌های محسوس بکار رفته است؛ یعنی کسایی مفاهیم انتزاعی، عقلی و عرفی مانند ایمان، توبه، نفاق، اجل، فرهنگ و ... را در قالب مشبّه، به عناصر مختلف عینی مانند کرده که به صورت هاله‌های تصویری زیبا، در شعر وی پدید آمده‌اند. این نوع مشبّه، در دیوان کسایی با بسامد ۱۰ مورد و ۵/۵۸ درصد بکار رفته است و از جمله کم کاربردترین نوع تشبیه، به اعتبار مشبّه می‌باشد.

ب) مفاهیم مجرد و انتزاعی در قالب مشبّه‌به: به دلیل ارتباط مستقیم شاعر با طبیعت و امور محسوسات، توجّه وی به امور ذهنی و ناملموس اندک بوده و به ۸ مورد و ۴/۴۶ درصد بیشتر نمی‌رسد. که همین درصد نیز، ساده بوده و به راحتی قابل درک و دریافت می‌باشند. بطوریکه باعث پیچیدگی در درک وجه‌شبه نشده‌اند. مشبّه‌هایی مانند، مؤمن مشبّه‌به برای سرخی شقایق، منافق مشبّه‌به برای سیاهی درون شقایق، توبه‌ای مشبّه‌به برای رخ، گناه مشبّه‌به برای زلف، جبرئیل مشبّه‌به برای نسیم نیمه شب، چشمه زندگانی مشبّه‌به برای شراب و ...

نسیم نیمه شبان جبرئیل گشت مگر که بیخ و شاخ درختان خشک مریم گشت

(همان: ۷۴)

به ظلمت سکندر گر او را بدیدی نکردی طلب چشمه زندگانی

(همان: ۹۷)

موضوعات و اجرام آسمانی

الف) اجرام آسمانی در قالب مشبّه: بسامد این نوع مشبّه در دیوان کسایی ۱۲ مورد و ۶/۷۰ درصد است. که با توجّه به آفاقی بودن تصاویر شعری کسایی امری طبیعی است. بنابراین آسمان و اجرام آسمانی نیز از جمله عناصر آفاقی و بیرونی است که توجّه شاعر را در خیال‌پردازیهایش، به خود جلب کرده است. اما از آنجایی که کسایی نیز همانند شاعران همعصرش به نجوم و احکام نجومی احاطه علمی چندانی نداشته و با اعتقادات علمی در این زمینه مأنوس نبوده، تصاویری که در این زمینه نیز خلق میکند، بدور از پیچیدگیهای علمی و هنری دیگر دوره‌های شعر فارسی است و حاصل کوشش ذهنی و هنری خود شاعر بوده که به صورت مادی و محسوس بیان شده و مبنای علمی خاصی ندارند؛ در نتیجه به راحتی قابل فهم می‌باشند. مشبّه‌ها شامل، آسمان مشبّه‌به برای آسیای گردان، نورخورشید مشبّه‌به برای برگ لاله‌زار، ماه مشبّه‌به برای چتر، برق مشبّه‌به برای چلیپای بستین و ...

در شد به چتر ماه سناهای آفتاب و رچند جرم ماه سر اندر سپر کشید
(همان: ۷۸)

ابر آمد از بیابان چون طیلسان رهبان برق از میانش تابان چون بسدین چلیپا
(همان: ۶۶)

عقیقی شرابی که در آبگینه درخشان شود چون سهیل یمانی
(همان، ۶۷)

اجرام آسمانی در قالب مشبّه‌به: این دسته مشبّه‌به در دیوان کسایی ۱۵ مورد و ۱۳/۹۶ درصد است؛ که به نسبت مشبّه‌های به کار رفته در این زمینه، درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. دریافت وجه‌شبهه در این نوع مشبّه‌به نیز ساده و به دور از پیچیدگی‌های علمی است. و آنچه اساس وجه‌شبهه را تشکیل می‌دهد، اغلب رنگ و شکل این اجرام آسمانی است و نه اطلاعات مربوط به زمان و مکان این صورنجومی. مشبّه‌به‌هایی مانند، برج ثور و جوزا مشبّه‌به برای شاخ و ستاک نسرين، ثریا مشبّه‌به برای نرگس، خوشه‌های پروین مشبّه‌به برای سوسن، رعد غریب مشبّه‌به برای من (شاعر) و...

سوسن لطیف و شیرین چون خوشه‌های پروین شاخ و ستاک نسرين چون برج ثور و جوزا
(همان: ۶۸)

وان نرگس مصور چون لؤلؤ منور زر اندرو مدور چون ماه بر ثریا
(همان: ۶۸)

طبیعت در قالب مشبّه‌به: در شعر کسایی، طبیعت با گستردگی تمام مطرح است. این نوع مشبّه در دیوان کسایی با بسامد ۴۵ مورد و ۲۵/۱۳ درصد بکار رفته است. مشبّه‌هایی مانند، برگ‌های نیلوفر مشبّه برای آسمان، جوی مشبّه برای باران کوثر، دشت مشبّه برای باران کوثر، آبی مشبّه برای من (شاعر)، گل مشبّه برای دلدار و.....

بر پیلگوش قطره باران نگاه کن چون اشک چشم عاشق گریان همی شده
(همان: ۹۳)

ای سبزه خجسته از دست برف جسته آراسته نشسته چون صورت مه‌نآ
(همان: ۶۹)

باغ از حریر حلّه بر گل زده مظلله مانند سبز کله بر تکیه گاه دارا
(همان: ۶۷)

طبیعت در قالب مشبّه‌به: این نوع مشبّه‌به با بسامد ۲۷ مورد و ۱۵/۸ درصد در دیوان کسایی بکار رفته است. مشبّه‌به‌هایی زنده و پویا که حاصل تجربه عینی شاعر هستند. مانند، برگ لاله‌زار مشبّه‌به برای نورخورشید، بنفشه مشبّه‌به برای جام کبود، خورنق مشبّه‌به برای باغ، شاخ مشبّه‌به برای نرد، کشتزار جو و گندم مشبّه‌به برای دیبای سبز و

حیوانات

جام کبود و باده سرخ و شعاع زرد گویی شقایق است و بنفشه است و شنبلیله
(همان: ۷۸)

از او بوی بردست کافور و عنبر وز او گونه برده عقیق یمانی
(همان: ۹۷)

حیوانات در قالب مشبّه: گاه حیوانات و جاندارانی که بخشی از آن طبیعت زنده بودند توجه کسایی را به خود جلب کرده و او با بهره گرفتن از رنگ، حالات و هنجارهای این جانداران در تصاویر شعری خود، بر تحرک و پویایی این تصاویر افزوده است. بسامد این نوع مشبّه در تصاویر کسایی به ۴ مورد و ۱/۶۷ درصد میرسد. مشبّه‌هایی از قبیل: هزارآوا مشبّه برای عاشقان، دراج مشبّه برای عروه، مرغک مشبّه برای عاشق.

سرود گوی شد آن مرغک سرود سرای چو عاشقی که به معشوق خود دهد پیغام
(همان: ۸۷)

برشاخ سرو بلبل با صد هزار غلغل دراج باز بر گل چون عروه پیش عروا
(همان: ۶۶)

حیوانات در قالب مشبّه‌به: کسایی در ۹ مورد و ۵/۲ درصد به این نوع مشبّه‌به پرداخته است. که به نسبت مشبّه‌های بکار رفته در این زمینه درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. مشبّه‌به‌هایی از قبیل: چوک مشبّه‌به برای آب، دم قاقم مشبّه‌به برای سرانگشت، ماهی مشبّه‌به برای جام باده، عقرب مشبّه‌به برای زلف معقرب، قاقم مشبّه‌به برای پشت دست و....

پشت دستش به مثل چون شکم قاقم نرم چون دم قاقم سرانگشت سیاه
(همان: ۸۳)

به ماهی ماند آبستن به مریخ بزاید چون فراز لب رسانی
(همان: ۹۶)

عناصر سامی و اسلامی

توجه کسایی به عناصر سامی و اسلامی به نسبت شاعران همعصر وی بیشتر بوده، بطوریکه کاربرد این عناصر در تصاویرش قوی و قابل توجه است. کسایی در این نوع تصاویر علاوه بر اینکه از کتب قصص و منابع ادبی عرب تأثیر پذیرفته به اسطوره‌های ایرانی و اسلامی نیز به صورت ساده و ابتدایی توجه داشته است. کسایی از اساطیر ایرانی به نسبت اساطیر سامی و اسلامی کمتر استفاده میکند؛ بطوری که بعضی از تصاویر او یادآور برخی مجازات قرآنیست؛ مانند تشبیه نسیم نیمشبان به جبرئیل که باعث باروری و شکوفه دادن شاخ و برگ درختان خشک میشود. یا مانند کردن گلشن به طلعت

متجلی بر کوه طور، یا تشبیه آب دیده به طوفان نوح و ... که همه این تصاویر یادآور بخشهایی از قرآن هستند. همچنین به علت شیعه بودن کسایی، میتوان شاهد بسیاری از تصاویری بود که برخاسته از عقاید شیعی شاعر و نفوذ اسلام در روزگار وی است. مانند تشبیه حضرت علی به گلزار، اولاد حیدر به کشتی، شمر به غارتگر غز و یغما و ...

عناصر سامی و اسلامی در قالب مشبّه: بهره کسایی از این نوع مشبّه به نسبت مشبّه به محدود بوده و به ۵ مورد و ۲/۷۹ بیشتر نمیرسد. همچنین باید یادآور شد که توجه کسایی و شاعران همعصر وی به این نوع تصاویر، نسبت به دیگر دوره‌های شعر فارسی بسیار کمتر است. و تنها در بخش اساطیر ایرانی است که توجه شاعران این عصر، بیشتر از دوره‌های دیگر شعریست؛

علم همه عالم به علی داد پیمبر چون ابرپهاری که دهد سیل به گلزار
(همان: ۸۲)

عناصر سامی و اسلامی در قالب مشبّه به: شانزده مورد و ۸/۹۳ درصد از تشبیهات کسایی را این نوع مشبّه به در بر میگیرد. مشبّه‌هایی مانند، شعر سعد و اسما (عاشق و معشوق مثلی عرب، ذیل فرهنگ دهخدا) مشبّه به برای دشت و باغ، تکیه‌گاه دارا مشبّه به برای گل، راهب مشبّه به برای نیلوفر، عروه و عفرا (عاشق معروف عرب، ذیل فرهنگ دهخدا) مشبّه به برای دراج و ...

بر شاخ سرو بلبل با صد هزار غلغل دراج باز بر گل چون عروه پیش عروا
(همان: ۶۶)

ابر آمد از بیا بان چون طیلسان ره بان برق از میانش تابان چون بستدین چلیپا
(همان: ۶۶)

اشیاء و ابزار

اشیاء و ابزار در قالب مشبّه: اشیاء و ابزار زندگی نیز بعنوان ماده تصاویر شعری، در خدمت شاعر و شعر او قرار گرفته است؛ که اغلب گویای نوع محیطی است که شاعر در آن رشد یافته و نیز حاصل تجربه وی بر اساس دیده‌ها و شنیده‌های اوست. کسایی از این موضوع ۷ مورد و ۳/۹۱ درصد در مشبّه تشبیهات خود استفاده کرده است:

آن روشنی که چون به پیا له فروچکد گویی عقیق سرخ به لؤلؤ فرو چکد
(همان: ۷۸)

وان صاف می که چون به کف دست بر نهی کف از قدح ندانی، نی از قدح نبیذ
(همان: ۷۹)

اشیاء و ابزار در قالب مشبّه‌به: این بخش مشبّه‌به، شامل نام سنگها، فلزات، وسایل جنگی و... است. توجه شاعر در مشبّه‌به این موضوع، خیلی بیشتر از مشبّه تشبیات وی میباشد؛ بطوریکه ۴۲ مورد و ۲۳/۴۶ درصد از تشبیحات کسایی را این نوع مشبّه‌به در بر میگیرد. و همین استفاده وافر شاعر از این نوع مشبّه‌به، خود گویای عینی‌گرایی و الگوبرداری شاعر از صحنه‌ها و اشیاء طبیعی است. مشبّه‌هایی مانند، جزع مشبّه‌به برای دیده، چتر مشبّه‌به برای ماه، چلیپای بسدین مشبّه‌به برای برق، بادافره مشبّه‌به برای نعم، بادخن مشبّه‌به برای دست و...

مردم اندر خور زمانه شدست نرد چون شاخ گشت و شاخ چون نرد

(همان: ۷۵)

که نعمهای او چو چرخ روان همه خواب است و باد و بادا فره

(همان: ۱۰۷)

ساختار بیرونی تشبیحات کسایی

این تقسیم‌بندی ناظر بر شکل و ظاهر تشبیحات است که متناسب با ارکان تشبیه و چگونگی قرار گرفتن آنها در ذیل تصاویر شعری متفاوت است:

الف) تشبیه مفصل: تشبیهی است که وجه‌شبه در آن ذکر شده باشد. در تشبیحات مفصل جایگاه چندانی برای مخاطب و مشارکت وی در متن باقی نمی‌ماند و نیاز به تأمل و جستجوی زیادی ندارد. ۱۶ درصد از تشبیحات دقیقی همراه با ذکر وجه‌شبه آمده‌اند. در بیشتر تشبیحات کسایی وجه‌شبه ذکر شده است که همین توجه زیاد شاعر به تشبیحات مفصل، باعث توجه کمتر وی به استعاره در دیوان شعریش شده است:

سوسن لطیف و شیرین چون خوشه‌های پروین شاخ و ستاک نسرین چون برج ثور و جوزا

(همان: ۶۸)

ابر سیاه برآمد باران آن سفید این چون بلور روشن و آن چون شبه به رنگ

(همان: ۹۲)

ب) تشبیه مجمل: شمیسا معتقد است: «از نظر تئوری ادبیات تشبیه مجمل از مفصل بهتر است و اتفاقاً هر چه در شعر فارسی از آغاز به جلو بیایم یا از آغاز هر سبکی دورتر شویم از بسامد تشبیحات مفصل کاسته میشود.» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۶۰) از آن جایی که این دوره، دوره گسترش تشبیحات مفصل است، شمار تشبیحات مجمل نیز در تصاویر کسایی اندک بوده و بیش از ۱۴/۹۴ درصد از تشبیحات وی را در بر نمیگیرد:

کهسار چون زمرّد، نقطه زده ز بسد کز نعت او مشعبد، حیران شدست و شیدا

(همان: ۶۵)

عالم بهشت گشته، عنبر سر شت گشته
کاشانه ز شت گشته، صحرا چو روی حورا
(همان: ۶۸)

ج) تشبیه مرسل: تشبیهی است که در آن ادات تشبیه ذکر شده باشد اداتی مانند: چو، ماند، بسان، بکردار، چنان به گونه و....

گلشن چو روی لیلی یا چون بهشت مولی
چون طلعت تجلی بر کوه طور سینا
(همان: ۶۷)

سرم به گونه شیر است و دل به گونه قیر
رخم به گونه نیل است و تن به گونه نال
(همان: ۸۶)

و گاهی با بکار بردن اداتی نظیر، «گویی» مشبّه و مشبّه‌به کاملاً به هم نزدیک شده، شباهت پیدا میکنند. و مشبّه همان مشبّه‌به میشود:

جام کبود و باده سرخ و شعاع زرد
گویی شقایق است و بنفشه است و شنبلید
(همان: ۷۸)

۶۵ مورد از تشبیهات کسایی همراه با ذکر ادات تشبیه هستند که ۳۶/۳۱ درصد از کل تشبیهات کسایی را در بر می‌گیرد.

د- تشبیه مؤکد: اگر ادات تشبیه حذف شود، تشبیه مؤکد نامیده می‌شود. با حذف ادات تشبیه، تشبیه با ابهام بیشتری همراه می‌شود و خواننده را به تأمل وا می‌دارد. «غرض اصلی از تشبیه عینیت بخشیدن به دو چیز مختلف است یا بهتر بگوییم عینیت بخشیدن است به دو چیز که غیریت دارند و چون ادات حذف شود، عینیت به صورت محسوس تر و دقیق تر نمایانده می‌شود.» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۶۶) ۱/۱۱ درصد از تشبیهات کسایی که تعداد آن‌ها به ۱۴ می‌رسد، تشبیه مؤکد است. همانطور که آمار نشان می‌دهد درصد توجه شاعر به تشبیه مؤکد بسیار کمتر از تشبیه مرسل است.

غریب ناپدش از من غریو گر شب و روز
به ناله رعد غریوانم و به صورت غرو
(همان: ۱۰۷)

ه- **تشبیه بلیغ:** در این نوع تشبیه تنها مشبّه و مشبّه‌به ذکر شده و گاهی نیز به هم اضافه شده‌اند؛ در این صورت ادات تشبیه و وجه شبه محذوف است. در نتیجه خیال‌انگیزی و ابهام بیشتری در ذهن خواننده ایجاد می‌کند؛ زیرا با حذف ادات و وجه شبه بر همانندی طرفین تشبیه، بیشتر تأکید می‌شود. ۲۸ مورد و ۱۵/۸ درصد تشبیه بلیغ اسنادی است که اکثراً به صورت جمله اسنادی مطرح شده‌اند که مشبّه‌به در جایگاه مسند جمله آمده است. از میان این ۲۸ مورد نیز، ۹ مورد و ۵/۲ بصورت بلیغ اضافی در دیوان کسایی بکار رفته است؛ که با توجه به گسترش تشبیهات تفصیلی و همراه با ذکر وجه شبه امری طبیعی است.

دست ظالم ز سیم کوتاه به
 ای به رخ سیم، زلف کن کوتاه
 (همان: ۹۳)

ای ز عکس رخ تو، آینه ماه
 شاه حسنی و عاشقانت سپاه
 (همان: ۹۲)

به شاهراه نیاز اندرون سفر مسگال
 که مرد کوفته گردد بدان ره اندر سخت
 (همان: ۷۳)

ز) **تشبیه مرکب:** اگر بتوان تشبیه مفرد را از لحاظ رتبه، قبل از تشبیه مرکب، بشمار آورد باید گفت کسایی در تشبیه مفرد پرکاربردتر بوده است؛ که ایستایی تشبیه مفرد نسبت به تشبیه مرکب نیز، امری طبیعیست؛ چون شاعر از عالم محسوسات فراتر نرفته و وجه شبه تشبیهات وی اغلب بر گرد صفات و خصوصیات ایستا و توصیفی چون «اندازه»، «رنگ»، «حجم»، و امثال اینها شکل گرفته است. بطوریکه پرداختن کسایی به تشبیه مرکب، نشانگر آغاز تطوّر این شگرد بلاغی در شعر فارسی است؛ هرچند کسایی در این روند تکامل، تشبیههای ساده را به مرکب نزدیک کرده است ولی در نهایت منوچهری دامغانی، آن را در قرن پنجم به سطح مطلوب میرساند. حدود ۶۸٪ از تشبیهات کسایی بصورت مفرد بوده و ۵۰ مورد و ۲۷/۹۳ درصد از تشبیهات دیوان وی را تشبیه مرکب تشکیل میدهد. تشبیهاتی که گاه در طول چند بیت ادامه دارند:

آن قطره باران به ارغوان بر
 چون خوی بناگوش نیکوان بر
 (همان: ۶۰)

هزار آوا همی بر گل سزاید
 بسان عاشقان بر روی دلدار
 (همان: ۱۰۲)

گل باز کرده دیده باران برو چکیده
 چون خوی فرو دیده بر عارض چو دیبا
 (همان، ۶۷)

ر) **تشبیه ملفوف:** این تشبیه مبتنی بر صنعت لف و نشر است. دو یا چند مشبّه ابتدا ذکر می‌شود سپس مشبّه‌های آن‌ها هر کدام به ترتیب ذکر می‌شود: کاربرد این نوع تشبیه در اشعار کسایی اندک بوده و به سه مورد بیشتر نمیرسد:

ابر سیه برآمد باران آن سفید
 این چون بلور روشن و آن چون شبه برنگ
 (کسایی، ۴۳)

جام کبود و باده سرخ و شعاع زرد
 گویی شقایق است و بنفشه ست و شنبلید
 (همان، ۷۸)

سرخ و سیه شقایق هم ضدّ و هم موافق
 چون مومن و منافق پنهان و آشکارا
 (همان، ۶۷)

و) تشبیه مضمّر: یکی از راههای تازگویی کسایی نسبت به همعصرانش، استفاده از تشبیه مضمّر و پنهان است. هر چند کاربرد چندانی ندارد و به ۵ مورد بیشتر نمیرسد اما استفاده شاعر از این نوع

تشبیه، هرچند ابتدایی، تازگی خاصی به تشبیهاتش داده است. مانند تشبیه شراب به کافور، عنبر و عقیق
یمانی:

از او بوی دزدیده کافور و عنبر وز او گونه برده عقیق یمانی
(همان، ۹۷)

یا تشبیه چشم به شب:

سزد که پروین بارد دو چشم من شب و روز کنون کزین دو شب من شعاع برزد پرو
(همان: ۱۰۷)

یا تشبیه اولاد حیدر به کشتی:

دامن اولاد حیدر گیسو از طوفان نترس گرد کشتی گیر و بنشان این فزع اندر پسین
(همان: ۹۱)

زاویه تشبیه در شعر شاعر

زاویه تشبیه را بر اساس میزان شباهت در مشبه و مشبه‌به و دوری یا نزدیکی آن دو می‌سنجند. «هر قدر زاویه تشبیه بازتر باشد یعنی ربط مشبه و مشبه‌به دورتر باشد تشبیه هنریتر است.» (بیان، شمیسا: ۱۴۸) و اگر ربط و شباهت میان طرفین تشبیه نزدیکتر باشد تشبیه بسته‌تر و غیر هنریتر است. عبارت دیگر شاعرانی که به تشبیه با زاویه باز گرایش دارند بیشتر اهل آفرینش هنری و خلاقیت تصویری هستند بطوری که در تشبیهات نو، زاویه تشبیه، باز و در تشبیهات کهنه و کلیشه‌ای، زاویه تشبیه بسته‌تر است. گذشت زمان و فاصله گرفتن از عصر شاعران سبب نسبی شدن باز و بستگی زاویه تشبیه می‌شود و همچنین نوع بررسی و تحلیل تشبیه آنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد، مثلاً اگر از نگاه تحلیل‌گر امروز به آن تشبیهات نگریسته شود چه بسا بسیاری از تشبیهات بدیع، امروز کلیشه‌ای و بسته به نظر برسد، در حالیکه اگر معیار بررسی منحصر به عصر شاعر باشد، درجه نوآوری و هنری بودن تشبیهات وجه دیگری پیدا می‌کند. درباره اشعار شاعر مورد بحث نیز باید گفت، تشبیهات وی از نظر حسی، تجربه‌های مستقیم شعری و همچنین تنوع تصویرهای رنگارنگ در دوره خود دارای تازگیها و ابتکاراتی است که قرن‌ها بعد با تصرفات دیگر شاعران، در طی زمان در گردش بوده و تکرار میشوند. پس اگر از این منظر به زاویه تشبیهات کسایی بنگریم همه تشبیهات او نو و ابتکاری است و حالت کلیشه‌ای به خود نگرفته‌اند. در نتیجه زاویه تشبیه در این گونه تشبیهات باز بوده، و اغلب تصاویری هستند که کسایی آنها را برای نخستین بار، و بعنوان شاعر آغازگر در این دوره شعری خلق می‌کند و در دیگر دوره‌های شعر فارسی جریان می‌یابند؛ تا آنجایی که اساس بسیاری از تصاویر بدیع شاعران را در بر می‌گیرند. با نگرش تحلیل‌گرانه امروزی از مجموع ۱۷۹ تشبیه در دیوان کسایی، ۸۵ مورد یعنی ۴۷/۴۸ درصد دارای زاویه باز بوده و به تعبیر دیگر در عصر شاعر بکر و بدیع به نظر می‌رسد و مؤید نوآوری و ابتکار کسایی در تشبیه سازی است. به چند مورد از این تشبیهات اشاره می‌شود:

تشبیه فرهنگ به آینه، ارغوان به بناگوش، گلشن به بهشت مولی، گل به تکیه‌گاه دارا، نرگس به ثریا، نسیم به جبرئیل، شاه اسپرغم به جعد، ماه به چتر، سوسن به خوشه‌های پروین، زلف به دست ظالم، گلبرگهای نیلوفر به راهب سیاه پوش، گلشن به روی لیلی و... به طور کلی به جزء در چند مورد مانند تشبیه رخ محبوب به آفتاب و زلف وی به شب و قد به سرو، نمیتوان شاهد تصاویر مشترک کسایی با شاعران همعصر وی بود که خود نشان از ابتکار شاعر در تصویر پردازی و به ویژه تشبیهات او دارد. دلی را کز هوا جستن چو مرغ اندر هوا بینی به حاصل مرغ‌واراو را بر آتش گردنا بینی

(همان: ۱۰۸)

درّه من شد دست از نعمت چون زنخدان خصم پر غدره

(همان: ۱۰)

وجه شبه در شعر کسایی

مهمترین بحث در تشبیه، از نگاهی وجه‌شبه است. وجه‌شبه مبین تجربه شاعر از محیط و وسعت تخیل اوست و بیش از هر رکن دیگر تشبیه، جهان خیالی شاعر را توصیف میکند. وجه‌شبه جنبه ادعایی دارد یعنی هنرمند مدعی شباهت بین دو پدیده یا چیزی میشود حال اگر این ادعا از مشبّه‌به نو اخذ شود، تشبیه را مطلوبتر و زیباتر میکند و سبب فعال شدن ذهن مخاطب در روند فهم شعر میشود. این مطلب در تشبیهات فشرده بهتر مشاهده میشود؛ ولی در تشبیهات گسترده میزان دخالت خواننده در دریافت تصویر کمتر است پس طبیعتاً لذت درک این نوع تشبیه در مقایسه با تشبیه فشرده کمتر است. بنابراین ذکر وجه‌شبه از مخیل بودن تشبیه میکاهد و فرصت خیال‌پردازی و کشف رابطه بین طرفین تشبیه را از مخاطب میگیرد. بنابراین تشبیهاتی که وجه‌شبه آنها ذکر نشود (مجمل) هنرتر و خیال‌انگیزتر خواهد بود. شمیسا معتقد است «از نظر تئوری ادبیات تشبیه مجمل از مفصل بهتر است و اتفاقاً هر چه در شعر فارسی از آغاز به جلو بیاییم یا از آغاز هر سبکی دورتر شویم از بسامد تشبیهات مفصل کاسته میشود.» (همان: ۶۰). وجه‌شبه هم می‌تواند از مشبّه اخذ شود و هم از مشبّه‌به، حسی، عقلی و انتزاعی بودن تشبیهات نیز در وجه‌شبه مؤثر است. وجه‌شبه باید کاملاً روشن و عاری از هر گونه ابهام و پیچیدگی باشد به گونه‌ای که عقل آن را بپسندد. «وجه‌شبه باید بسان عسل، شیرین و بسان نسیم، لطیف و چونان آب روان باشد. اجزایش روشن، ترکیبش یقینی و محکم و ملازمت در آن قاطع باشد و در روشنی همچون خورشید بدرخشد.» (مفتاح العلوم، سکاکی: ۴۴۶). کسایی به مشبّه‌به حسی گرایش بیشتری داشته و بیشترین بهره را از تصاویر حسی در شعر خود برده است. در نتیجه اساس وجه‌شبه در تصاویر او نیز حسی و عینی است. از طرفی دیگر حضور یا عدم حضور وجه‌شبه در تشبیهات کسایی نیز قابل بررسی است؛ یعنی از مجموع ۱۷۹ تشبیه در دیوان کسایی، در ۳۰ مورد وجه‌شبه ذکر شده و در ۱۴۹ مورد وجه‌شبه ذکر نشده است. کمی شمار تشبیهات مفصل دلیل بر گسترش تشبیه مجمل یا عدم ذکر وجه‌شبه نیست؛ بلکه گسترش تشبیه مرکب در دیوان اشعار کسایی، جای این نوع تشبیهات را گرفته است.

موضوع وجه‌شبهه می‌تواند از امور گوناگونی از قبیل: رنگها، حرکات، اشکال، ابعاد، صداها و... اخذ شود؛ اموری که اغلب برگرفته از محیط و ذهن تخیل‌گر شاعر هستند. «مشبهه و وجه‌شبهه اغلب بیان‌کننده محیط زندگی و دریافتهای ذهنی شاعر است.» (معانی و بیان، علوی مقدم: ۱۱۶). در این میان، توجه‌کسایی به عنصر رنگ در وجه‌شبهه تشبیهاتش بسیار گسترده و فراگیرتر از دیگر عناصر شعریست بطوریکه بر این عنصر جنبه هندسی وجه‌شبهه‌های موجود نیز غلبه دارد. «تشبیهات وی غالباً مبتنی بر عنصر رنگ است و اساساً دقت کسایی نسبت به رنگ در میان سرایندهگان عصر سامانی ممتاز است. بطوری که می‌توان گفت این عنصر در شعر او فراگیرتر از عنصر هندسه (شکل) است.» (کسایی مروزی، امامی: ۲۶). در زیر به چند تشبیه با محوریت رنگ و شکل می‌پردازیم:

تشبیه خم زلف به دام به لحاظ شکل خمیدگی:
خم زلفش یکی دام است چون خورشید و مه گیرد / سر زلفش یکی شست است کو سیمین ذقن گیرد
(همان: ۷۶)

گاهی نیز عنصر رنگ و هندسه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرد:

صبح آمد و علامت مصقول برکشید / وز آسمان شمامه کافور بردمید
(همان: ۷۷)

مقایسه تشبیهات با شاعران همعصر

در زمینه تشبیه، کسایی با داشتن ۱۷۹ نمونه عملکرد بهتری نسبت به معاصرانش داشته است. بطوریکه بعد از رودکی با ۳۱۱ نمونه تشبیه و دقیقی با ۲۴۱ نمونه بیشترین عملکرد را در زمینه تشبیه داشته است. همچنین بعد از کسایی به ترتیب، ابوشکور بلخی با ۷۰ تشبیه، شهید بلخی با ۴۰ تشبیه، ربجنی با ۳۰ تشبیه، منطقی رازی با ۲۸ تشبیه، قمری جرجانی با ۹ تشبیه، خسروانی با ۷ تشبیه، استغنائی نیشابوری با ۴ تشبیه، لوکری با ۳ تشبیه و بوالمثل بخارایی و بشار مرغزی با ۱ نمونه تشبیه، کمترین درصد تشبیهات این عصر را با اتکا به اشعار باقی مانده از این شاعران، به خود اختصاص داده است. در زمینه انواع تشبیه، توجه کسایی به تشبیه مرکب نسبت به همعصرانش، بویژه رودکی و دقیقی که بیشترین اشعار و تشبیهات این عصر را به خود اختصاص داده‌اند بیشتر بوده است؛ بطوریکه رودکی با ۳۱ مورد تشبیه مرکب و دقیقی با ۴۸ مورد، توجه کمتری به این نوع تشبیه داشته‌اند. در زمینه تشبیه مفرد نیز با توجه به میزان محدود اشعارش، همانند همعصرانش عملکرد خوبی داشته است. بطوریکه توجه این شاعران به تشبیه بلیغ اسنادی، تمام ارکان، مجمل و مرسل بیش از دیگر عناصر تشبیه است. در مقابل تشبیه مضمّر، تفضیل، مضمّر و تفضیل، مفصل و مؤکد و تمثیل، کمترین درصد از تشبیهات این عصر را به خود اختصاص داده است. این مسأله می‌تواند نشانه‌ای برای توجه شاعران به صورتهای مختلف تشبیه باشد. همچنین از آنجایی که عصری که شاعر در آن به سر می‌برده است، عصر غلبه تشبیهات محسوس می‌باشد، و تشبیه حسی به حسی بیشترین درصد از گونه‌های تشبیه این دوره را در شامل می‌شود و بعد از آن به ترتیب گونه عقلی به حسی درصد نسبتاً زیادی را به خود اختصاص داده است بنابراین غلبه دید مادی و توجه به عناصر حسی، در همه تصاویر کسایی، در نخستین مطالعه شعر وی نظر خواننده را به خود جلب میکند؛ بویژه

تصایری که در زمینه طبیعت و توصیف عناصر طبیعی هستند، از نظر صورخیال بهترین شعری است که از گویندگان قرن چهارم در دست می‌باشد. و هیچ شاعری از معاصران کسایی به گستردگی و زیبایی وی به تصویرسازی در زمینه طبیعت و عناصر مربوط به آن نپرداخته است. علاوه بر این، توجه خاص او به عنصر رنگ در تشبیهاتش، یکی دیگر از خصایص شعر اوست که نسبت به همعصرانش برجستگی و امتیاز دارد. بطوریکه در اغلب تصاویر شعری یک عامل از عوامل تشبیه رنگ است و در کنار آن، بیشتر به هماهنگی هندسی اشیاء نظر هست ولی کسایی بیشتر از همه به رنگ توجه دارد. و در نهایت باید یادآور شد که تشبیهات کسایی به سبب دقت در جزئیات تصویر، نسبت به عهدی که در آن میزیسته بدیع و زیبا است. و اغلب تصاویری هستند که زاینده طبع خود شاعراند.

جدول شماره یک: گونه‌شناسی تشبیه در قرن چهارم هجری

۱	بلیغ اسنادی	۲۱/۵۲ درصد
۲	مرکب	۱۱/۶ درصد
۳	بلیغ اضافی	۷/۱۷ درصد
۴	مفصل و موکد	۲/۶۹ درصد
۵	مجمعل و مرسل	۱۵/۱۶ درصد
۶	مضمّر	۱۰/۶ درصد
۷	تفضیل	۶/۳۸ درصد
۸	مضر و تفضیل	۲/۹۹ درصد
۹	تمثیل	۱/۳۳ درصد

جدول شماره دو: گونه‌شناسی کاربردی تشبیه در قرن چهارم هجری

۱	حسی به حسی	۷۰/۱ درصد
۲	حسی به عقلی	۱/۵۱ درصد
۳	عقلی به حسی	۸/۵۸ درصد
۴	عقلی به عقلی	۶۰ درصد

جدول شماره یک: موضوعات مشبّه و مشبّه‌به، بسامد و درصد آن در دیوان کسایی

مشبّه‌به		مشبّه		موضوع
کسایی		کسایی		
درصد	بسامد	درصد	بسامد	
۱۸/۴۳	۳۱	۱۵/۳۰	۵۴	اوصاف انسانی
۴/۴۶	۸	۵/۵۸	۱۰	مفاهیم مجرد، انتزاعی
۱۳/۹۶	۲۵	۶/۷۰	۱۲	اجرام آسمانی
۲۵/۸	۲۷	۲۵/۱۳	۵۴	طبیعت و زمین
۵/۲	۹	۱/۶۷	۴	حیوانات
۸/۹۳	۱۶	۲/۷۹	۵	عناصر سامی و اسلامی
۲۳/۴۶	۴۲	۳/۹۱	۷	اشیاء و ابزار
۱۰۰	۱۷۹	۱۰۰	۱۷۹	مجموع

جدول شماره دو: میزان بسامد و درصد تشبّهات بلیغ، کامل، مفصل و مرسل در دیوان شاعر

کسایی		تشبیه به اعتبار ارکان آن
درصد	بسامد	
۱۵/۸	۲۸	تشبیه با طرفین بدون ذکر ادات و وجه شبه (بلیغ)
۴۶/۳۶	۸۳	تشبیه با تمام ارکان (کامل)
۱۶	۳۰	تشبیه با طرفین وجه شبهه (مفصل)
۳۶/۳۱	۶۵	تشبیه با طرفین و ادات (مرسل)
۱۰۰	۱۷۹	مجموع

نتیجه‌گیری

با توجه به جدول (شماره یک)، کسایی بیشترین تشبیهاتش را از عناصر طبیعت، با ۲۵/۱۳ در قالب مشبّه اخذ کرده است. سپس، اوصاف انسانی با ۱۵/۳۰ بیشترین مشبّه شاعر را به خود اختصاص داده است. همچنین اجرام آسمانی، حیوانات، اشیاء و مفاهیم مجرد هر کدام به ترتیب در مشبّه تشبیهات وی جلوه خاصی پیدا کرده و بسامد قابل توجه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند. از میان مشبّه‌به تشبیهات وی نیز، طبیعت و زمین با ۲۵/۸ درصد، بیشترین درصد مشبّه‌به‌های شاعر را به خود اختصاص داده است. و پس از آن به ترتیب، اشیاء و ابزار، اوصاف انسانی، اجرام آسمانی، حیوانات و مفاهیم مجرد و انتزاعی بیشترین نمود را در مشبّه‌به تشبیهات شاعر داشته است. از نظر ساختار شکلی تشبیه نیز، شاعر از انواع مختلف ساختار تشبیه، در شعر خود بهره جسته است؛ و از این میان، گرایش شاعر به تشبیه تمام ارکان (کامل) و مرکب بیشتر بوده است. بعد از بررسی و تحلیل بحث تشبیه در این اثر، معلوم می‌گردد که کسایی شاعری تصویرگر و تشبیه ساز بوده است. بویژه در زمینه تشبیهات حسی به حسی و عقلی به حسی، تشبیهات گسترده و مفرد گرایش که بیشتری نشان داده است. گفتنی است که ساختار تشبیهات کسایی در این دیوان، زبان شعری وی را تحت تاثیر قرار داده و زبان ساده شعری او را مخیل نموده است و با بکارگیری تشبیه بلیغ و مرسل، بسوی خیال انگیزی و پیچده کردن زبان شعر حرکت کرده است.

منابع

۱. اسرارالبلاغه، جرجانی، عبدالقاهر (۱۳۷۴)، ترجمه جلیل تجلیل، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. الصناعتین، عسکری، ابوهلال (۱۳۷۱)، تحقیق علی محمد البجاوی و محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر.
۳. بلاغت تصویر، فتوحی رود معجنی، محمود (۱۳۸۶)، چاپ اول، تهران: سخن.
۴. بیان، شمیسا، سیروس (۱۳۷۱)، تهران: فردوس و مجید.
۵. «پژوهشی در سرچشمه‌های علم بیان در شعر قرن چهارم»، حیدری، محمدرضا (۱۳۹۲)، مجله بهار ادب، سال ۶، شماره ۲، صص ۲۰۳-۱۸۳.
۶. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ذبیح الله (۱۳۸۵)، چاپ نهم، تهران: فردوس.
۷. حکایت شعر، اسکلتن، رایین (۱۳۷۵)، مترجم مهرانگیز اوحدی، تهران: میترا.
۸. دیوان، کسایی مروزی، ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵)، تالیف نصرالله امامی، چاپ سوم، تهران: فرهنگ.
۹. (۱۳۸۵)، تصحیح محمد امین ریاحی، چاپ دوازدهم، تهران: علمی.
۱۰. (۱۳۷۰)، تصحیح جعفر شعار، چاپ اول، تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.
۱۱. سبک خراسانی در شعر فارسی، محبوب، محمد جعفر (۱۳۴۵)، چاپ اول، تهران: فردوس.
۱۲. صورخیال در شعر فارسی، شفیع کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۲)، چاپ یازدهم، تهران: آگاه.
۱۳. کلیات زیباشناسی، کروچه، بندتو (۱۳۴۴)، ترجمه فؤاد روحانی، تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۴. لباب الباب، عوفی، محمد (۱۳۸۹)، به کوشش سعید نفیسی، تهران: فرهنگ.
۱۵. معانی و بیان، علوی مقدم و اشرف زاده (۱۳۷۶)، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۶. مفتاح العلوم، سکاکی، ابویعقوب یوسف بن محمد بن علی (۶۲۶-۵۵۵ق)، تصحیح عبدالحمید الهنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه.